

The area of lenity in the Alawite conduct

Mohammad Hossein Tavakolian¹ | Hamidreza Motahari²

Received: 2020/12/16 | Accepted: 2021/02/27

(DOI): [10.22034/SKH.2022.9888.1176](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.9888.1176)

Abstract

Original Article
P 72 - 93

In the early Qajar period, a number of prominent religious figures for different motives traveled to India, which was then under British colonial rule. With the presence of the colonizers, the prevalence in manifestations of modern Western civilization in India had made this country one of the important gateways for Iranians to get acquainted with the new Europe. Mir Abdul Latif Shoushtari and Agha Ahmad Behbahani were two clerics who, through their presence in India and their contact with the British, wrote down their seen and heard in the form of two travelogues called *Tohfāt al-Ālam* and *Mer'at al-ahwāl Jāhan-Nāma* have also taken a stand on these developments. The present study using the method of content analysis, tries to investigate how the new aspects of Western civilization and the opinions of the authors of these two travelogues about the mentioned developments are reflected in the books "*Tohfāt*" and "*Mer'at*". The findings show that Shoushtari and Behbahani have provided valuable information about scientific developments and political and social developments in European countries and have praised these developments in various cases. Meantime, Behbahani has tried in various ways to persuade the Qajar rulers to take on the positive aspects of Western civilization.

Keywords: Lenity, Alawite, conduct, Imam Ali, Area.

¹ - Visiting Professor, Islamic Azad University, East Tehran Branch. mht110@yahoo.com.

² Assistant professor in faculty of history and sira of Ahl al-Bayt (a) in Academy of Islamic culture and sciences, h.motahari@isca.ac.ir.



ساحت‌شناسی مدارا در سیره علوی

محمد حسین توکلیان^۱ | حمید رضا مطهری^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2022.9888.1176

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۱/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۴/۰۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص ۹۳/۷۲

چکیده

اندیشمندان بسیاری با توجه به معانی «مدارا»، ساحت‌های مختلفی برای آن مقرر کرده‌اند. نوشتار حاضر با رویکرد سیره‌پژوهی و با بهره‌گیری از سیره امام علی(ع) در مدارا با مخالفان، مدلی از ساحت‌های مختلف مدارا را ارائه کرده است. بر این اساس، مدارا در ساحت‌های عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و قضایی بررسی شده است. ساختار این پژوهش بر اساس یافته‌های تاریخی و به صورت توصیفی - تحلیلی شکل گرفته است. نتیجه جمع‌بندی مطالب اینکه در سیره علوی با اصل قرار دادن مدارا در ساحت‌های مختلف، خشونت و قاطعیت در مرحله بعدی قرار داشته است. از سوی دیگر، مدارا در هر ساحت با اهداف خاصی مانند لزوم همزیستی مسالمت آمیز، تألیف قلوب، در امان ماندن از شر طرف مقابل و مصلحت‌سنجی صورت گرفته است که ضرورت مدارا در آن ساحت را بیشتر می‌کند. **واژه‌های کلیدی:** مدارا، رفق، تسامح، سیره علوی، امام علی.

۱ - دکترای تاریخ تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران، mht110@yahoo.com

۳ - دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران h.motahari@isca.ac.ir



مقدمه

آموزه‌های اسلامی به مدارای با همگان توصیه می‌نماید. وفور آیات و روایاتی که بر رفق، مدارا، صلح و سلم تأکید دارد شاهد بر این مدعاست. در قرآن کریم بیش از ۳۱۰ مرتبه واژه‌های «رحمان»، «رحیم» و «رحمت» را در توصیف خداوند به کار برده است. همچنین خداوند متعال علت بعثت رسول خود را رحمت بر بندگان بیان می‌کند. (انبیاء: ۱۰۷)

تاریخ اسلام هم گواه رحمت و ملایمت پیامبر و اوصیای ایشان، حتی نسبت به دشمنان و بدخواهان بوده است. پیامبر اکرم‌ع‌به عنوان سرسلسله این الگو، در مدیریت خود، همواره بر مدارا تأکید می‌ورزید و عاقل‌ترین مردم را مداراکننده‌ترین آنان معرفی می‌نمود. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۵) پس از رسول خدا و وصی ایشان، امام علی (ع) در دوران سختی قرار گرفت و در راستای ادامه مسیر پیامبر خدا در امر حفظ دین و دعوت جامعه به مسیر هدایت، اساس برنامه خویش را بر مدارا با مخالفان قرار داد. با این حال، برخی سخت‌گیری‌ها، قاطعیت‌ها و خشونت‌هایی که در شرایط زمانی و مکانی خاص و به ضرورت در سیره علوی وجود داشته است، برخی را بر آن داشته تا آن را بر تمام زندگانی آن بزرگواران تسری داده و حکم بر عدم شمول مدارا در همه ابعاد زندگی ایشان نمایند.

این پژوهش با رویکرد تاریخی همراه کاوش در سیره علوی و تحلیل داده‌ها، سعی می‌کند گستره مدارا با مخالفان را ترسیم نماید. باید توجه داشت که «قابل‌فهم بودن»، «اصالت» و «قابلیت الگوبرداری» از مهم‌ترین معیارهای گزینش گزاره‌های تاریخی در این زمینه بوده است؛ بنابراین با عنایت به گستردگی فروع مدارا، مبانی، روش‌ها، شاخصه‌ها و پیامدهای آن مطمح نظر نگارندگان این پژوهش نبوده است.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که امیرمؤمنان (ع) در چه ساحت‌هایی با مخالفان خود مدارا می‌نمودند. در پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که مدارای ایشان با مخالفان خود در ساحت‌های مختلف عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است.

پیرامون مدارا و یا واژه‌های هم‌معنا همچون: تساهل، تسامح، رفق، رحمت و...، پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است؛ با این حال نوشته‌ای که به صورت مستقل به ساحت‌شناسی مدارا توجه کند به دست نیامد. مقاله‌هایی که به برخی ابعاد مسئله پرداخته باشد یافت شد که بعضی از آنها در ذیل معرفی می‌گردد:

مقاله «مدارا در رفتار سیاسی و حاکمیت علوی»، ابراهیم برزگر و مصطفی بیات، فصل‌نامه رهیافت، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۸؛ مقاله «شرایط و قلمرو مدارا در قرآن و سنت»، خانم سیده فاطمه طباطبایی و اعظم عسکری خنامانی، فصل‌نامه معرفت، شماره ۲۵۶، فروردین ۱۳۹۸؛ مقاله «حاکمیت و سیاست داخلی در سیره امیرالمومنین علی(ع) (نمونه موردی تساهل و مدارا)»، آقای ابراهیم برزگر و مصطفی بیات، فصل‌نامه تاریخ دوره ۱۱، شماره ۴۰، بهار ۱۳۹۵.

مفهوم شناسی

مدارا در اصل «مداراة» به زیادی تاء مصدری است. این واژه گاه با همزه و گاهی بدون همزه به کار می‌رود و در لغت به معنای نرمی، خوش‌اخلاقی در معاشرت با مردم (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۲۵۵)، دشمنی نوزیدن و مخالفت نکردن (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۵۱) است. به طور کلی، مدارا نوعی برخورد همراه سعه‌صدر، گذشت و تحمل است. در مدارا مفهوم پرهیز و احتیاط نهفته است؛ از این رو اگرچه واژه مدارا در مواردی به معنای وسیعی به کار می‌رود و شامل غیر مخالف همچون همسر، فرزندان، والدین و تمام مردم می‌شود- کما اینکه در برخی روایات همین معنا اراده شده است^۱- اما کاربرد آن بیشتر در مقابل مخالفان و دشمنان است؛ خلاف رفیق که غالباً در مورد دوستان و غیر مخالفان به کار می‌رود. تفاوت این دو واژه در روایات اسلامی نیز آمده است. «إِنَّ مَدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۰۱؛ العسکری(ع)، ۱۴۰۹، ص ۳۵۴) امام صادق (ع) آیه و قَوْلُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (بقره: ۸۳) را برخورد خوب با تمام انسان‌ها چه مؤمن و چه مخالف تفسیر کردند و در توضیح آن فرمودند: «اما با مؤمنان باید با گشاده‌رویی برخورد شود و با مخالفان به مدارا سخن گفته شود...». (العسکری(ع)، ۱۴۰۹، ص ۳۵۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۰۱) پژوهش حاضر نیز مدارا را با این معنا بررسی خواهد کرد و مدارا با همه مردم و یا با غیر مخالف، هدف نویسنده نیست.

۱- (ابن بابویه صدوق)، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۸۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲؛ «مَدَارَاةُ النَّاسِ نَصْفُ الْإِيمَانِ...» کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲؛ «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وِلِيِّهِ... وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمَدَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهُ بِمَدَارَاةِ النَّاسِ...» کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۲۸۰)

سیره

واژه «سیره» در لغت، اسم مصدر از «سیر» است. این مصدر بر مسافتی که بر روی زمین طی می‌شود، دلالت می‌کند. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۴۰) همچنین این واژه به معنای هیئت و حالت نیز آمده است. معنای سنت و طریقه هم در مورد واژه سیره به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۸۹) زمانی که گفته شود: «سار بهم سیره حسنه»، یعنی طریقه و روش نیک. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۹۰) به گفته راغب اصفهانی دوام و ماندگاری از ویژگی‌های این شیوه و حالت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۳) در تعریف سیره، قید استمرار اخذ می‌شود؛ ولی اگر کاری فقط یک‌بار از سوی یکی از ائمه صادر شده باشد، سیره بر آن اطلاق نمی‌شود.

ساحت‌های مدارا

اندیشمندان بسیاری با توجه به تعاریفی که از مدارا ارائه می‌دهند، ساحت‌های مختلفی را برای آن متصور هستند. وگت^۱ مدارا را یک «گرایش رفتاری» می‌داند که این معنا برابر «نگرش» قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که نگرش را از خلال رفتار در می‌یابد. وی مدارا را به سه دسته مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی تقسیم می‌کند که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. (Phelps, 2004, P 26) اسکارمن^۲، مدارا را به مثبت و منفی تقسیم کرده است. وی مدارای منفی را به معنای عدم مداخله در امور مردم و رها کردن مردم به حال خودشان بیان کرده است. مدارای مثبت نیز در دیدگاه وی به معنای پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخورداری آنها از فرصت‌های برابر در جامعه است. (عسگری، شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۸) پیتر کینگ^۳ نیز تساهل و مدارا را به چهار نوع تساهل عقیدتی (تساهل در برابر عقاید مخالف)، تساهل سازمانی (پذیرفتن حق گردهم‌آیی صاحبان عقاید مختلف)، تساهل هویتی (تساهل در برابر ویژگی‌هایی که اختیاری نیست؛ مانند ملیت، جنس، نژاد و...) و تساهل رفتاری (تساهل برابر شیوه پوشش یا روابط اجتماعی) تقسیم کرده است. (بشیریه، ۱۳۷۹، ص ۷۱)

بنابراین با توجه به نظریه‌های بالا و اینکه هدف این پژوهش، بررسی ساحت‌های مختلف

^۱. vogt

^۲. Scarman

^۳. King

مدارا در سیره علوی است، به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از این تقسیم‌بندی‌ها جامع تمام ابعاد مدارا در سیره آن بزرگوار نیست؛ از این رو این نوشتار، مدارا را به هفت ساحت عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و قضایی تقسیم‌بندی می‌نماید. با این تقسیم می‌توان این ساحت‌ها را به شاخص‌های عملیاتی بهتری بدل کرد و مدل مناسبی در مدارا استخراج نمود.

۱. عقیدتی

مدارای عقیدتی را می‌توان مدارا نسبت به وجود یا بیان و یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل، مثل باور به دگراندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی، عدم تعصب و باور به آزادی عقیده دیگران دانست. به عبارت دیگر مدارا و تحمل برابر باورها و رفتارهای مخالف دیگران، خصوصاً باورها و رفتارهای ادیان دیگر را مدارای عقیدتی می‌نامند. (فتحعلی، ۱۳۷۸، ص ۶۶)

با مراجعه به سیره امام علی(ع) این عرصه از مدارا به وفور یافت می‌شود. ایشان هیچگاه با مخالفان عقیدتی خود تا زمانی که اقدامی علیه حکومت و یا اعتقادات مردم نکنند، برخورد نمی‌کرد. از این رو تبلیغ فرقه و مسلک باطل مخالفان در سیره آن حضرت جایی نداشت. ایشان هیچگاه خوارج را به صرف عقیده، از آمدن به مسجد منع ننمود. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۸۱) حضرت درباره آنان می‌فرمود: «بعد از من خوارج را نکشید چرا که آنکه به دنبال حق بود و به خطا رفت، چونان کسی نیست که به دنبال باطل بود و بدان رسید». (صالح، ۱۴۱۴، خطبه ۶۱، ص ۹۴) مدارای عقیدتی آن حضرت به فرقه‌های اسلامی منحصر نبود و ایشان با بزرگان یهودیت و مسیحیت به مناظره می‌پرداختند و همراه آرامش و بدون جدال و خشونت، پرسش‌ها و نیز برخی عقاید باطل آنان را شنیده و پاسخ می‌دادند. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۳۹۸، ص ۲۸۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۲۷)

۲. سیاسی

مدارای سیاسی دارای مفهوم گسترده‌ای به‌ویژه در اندیشه غرب است. در یک تعریف، به رفتار و منش خردورزانه و معقولانه، سنجیده، ملایم و همراه سعه صدر اطلاق می‌شود که در بستر تعاملات سیاسی موجود در جامعه و برای رسیدن به هدفی متعالی انجام می‌پذیرد و شاخصی بنیادین برای تمرین مدنیت و تمرین اصول دموکراتیک به شمار می‌رود. (Moreno

Rianão, 2003, vol 65, Issue 1) این مفهوم، بیانگر آن است که در فرایند تعاملات سیاسی، افراد، کارگزاران نظام سیاسی، احزاب و... باید ضمن سعه صدر و تحمل دیگران، نسبت به دیدگاه‌های مخالف در چارچوب‌های مشخص‌شده با مدارا برخورد نمایند و ظرفیتی را مهیا سازند تا ناسازگاری‌ها و تفاوت‌ها در فضایی آرام و منطقی مدیریت شود و موجب بروز خشونت در فضای جامعه نگردد.

با این تعریف، مدارای سیاسی را می‌توان در عرصه‌های مختلف تبیین نمود. اولین عرصه مدارای سیاسی، مختص حاکمان و کارگزاران نظام سیاسی است. در اندیشه اسلامی مدیریت و حکومت بر رفق و مدارا استوار است و زمانی از خشونت و قدرت استفاده می‌شود که از آن گریزی نباشد. مرحوم امام خمینی (م ۱۳۶۸ ش) مدارای سیاسی حاکمان را موجب همگرایی مردم می‌داند و می‌نویسد:

مدارا از مهمترین عوامل همگرایی و تصرف در قلوب و رام شدن مردم و روغن چرخ تعامل دولت و مردم و کاهنده هزینه‌های مدیریت جامعه است. احتمال دارد حدیث «رفق میمنت دارد و خرق و عنف شوم است»، اشاره به این امور داشته باشد. اطاعت سیاسی از روی شدت و سلطه بدون میل قلبی، نفاق و خیانت، ایجاد می‌کند. مدارا، تمام قوای ظاهری و باطنی جامعه را رام و قلوب را فتح می‌کند و فتح قلوب، فتح ممالک را میسر می‌سازد. (خمینی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۵)

از دیدگاه ایشان، اسلام دنبال سلطه بر سرزمین نیست. بلکه دنبال فتح قلوب مردم است و این با خشونت و استبداد جمع نمی‌شود. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۵۰۶-۵۰۷)

امام صادق (ع) در توصیه خود به عمار بن ابی‌أحوص^۱، روش حکومت‌داری و اداره امور توسط اهل بیت‌عمر را همراه نرمی و مهربانی و متانت و تقیه و حسن معاشرت و پاکدامنی و کوشش مطرح کرد و سپس سفارش نمود که کاری کنید مردم به دین و طریقه شما رغبت پیدا کنند. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۵۵)

در سیره امیرالمؤمنین (ع) که میان سایر امامان شیعه حکومت داشتند، موارد بسیاری از مدارای سیاسی و سعه صدر و تحمل نسبت به دیدگاه‌های مخالف مشاهده می‌شود.

۱. مرحوم شیخ طوسی وی را از اصحاب امام باقر و امام صادق دانسته است. تستری، *قاموس الرجال*، ج ۸، ص ۵؛ خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۳، ص ۲۶۴

ایشان زمانی که به خلافت رسید، کسانی را که از بیعت امتناع کردند مورد تعقیب قرار نداد و مجبور به بیعت نکرد. تعدادی از صحابه سرشناس از جمله سعد بن ابی‌وقاص (م ۵۴ ق)، اسامه بن زید (م ۵۳ ق)، حسان بن ثابت، عبدالله بن عمر (م ۷۳ ق) و محمد بن مسلمه (م ۴۳ ق) با حضرت بیعت نکردند. امام (ع) با یادآوری بیعت همه مردم و انتخاب ایشان به خلافت همچون خلفای سابق، کراهت خود را از عدم بیعت این افراد اعلام نمود. اما هیچگاه متعرض آنان نشد و ایشان را برای گرفتن بیعت تحت فشار قرار نداد. (مفید، ۱۴۱۳ ب، ج ۱، ص ۲۴۳)

عرصه دیگر مدارای سیاسی در رفتار خردمندان و همراه سعه صدر افراد جامعه در تعاملات سیاسی است. این گونه از مدارا نیز در سیره امام علی (ع) در موارد بسیاری به چشم می‌خورد. امام (ع) با وجود آنکه خلافت و جانشینی رسول خدا را از حقوق مسلم خود می‌دانست، اما پس از تصاحب خلافت توسط دیگران، شیوه مدارا در پیش گرفت. اگرچه آن حضرت به مناسبت‌های گوناگون و به افراد مختلف حقانیت خود را یادآوری می‌نمود، اما در این مدت به جز تبیین حق خود عملی انجام نداد؛ بلکه در طول دوران حکومت خلفای سه‌گانه، به اقتضای مصلحت مسلمانان و پیشبرد اسلام با خلفا همکاری نمود. ایشان در خطبه‌ای که پس به دست آوردن خلافت ایراد فرمود، به این امر مهم اشاره می‌نماید. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۰۷) منصرف کردن خلیفه اول را از رفتن به جنگ با مرتدان (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۱۵)، تشویق خلیفه اول به اعزام سپاه اسامه برای جنگ با رومیان، مشورت دادن آن حضرت به خلیفه دوم درباره قصد حمله ایرانیان با ۱۵۰ هزار نفر به مدائن و کوفه (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۰۷) و مانند آن^۱ از نمونه‌های همکاری حضرت با دستگاه خلافت است.

۳. اجتماعی

با توجه به اهمیت ساحت اجتماعی مدارا بسیاری پژوهشگران، واژه مدارا را مترادف با مدارای اجتماعی دانسته‌اند و تعریفی مجزا از آن ارائه نکرده‌اند. (گلابی، ۱۳۹۲، ص ۶۴-۶۵؛ بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۱۰) با این حال، تعاریف بسیاری از این واژه در کتاب‌ها و مقاله‌ها یافت می‌شود.

^۱ به عنوان نمونه رک: یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۴۵؛ طبری، همان، ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۵؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۱۰۳؛ ابن کثیر، همان، ج ۶، ص ۳۱۵؛ ابن اعثم، *الفتوح*، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۹؛ ابن کثیر، همان، ج ۷، ص ۱۰۷

مدارای اجتماعی به برخورد مناسب هر یک از اعضای جامعه با دیگر اعضای جامعه در محیط‌های اجتماعی و عمومی گویند که با پذیرش تفاوت‌های هر شخصی که در جامعه زندگی می‌کند، شکل می‌گیرد. مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش و بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی یا خشونت اعم از فیزیکی یا روانی و حیثیتی گام بر دارند. این نوع از مدارا فضیلتی اجتماعی میان افراد و گروه‌هایی است که دیدگاه‌ها و روش‌های زندگی متفاوت و در اجتماع واحد همزیستی مسالمت‌آمیزی دارند. (Galeotti, 2002, P 20; Dees, 2014, P 2)

امام صادق(ع) همراهی با مردم، یاری رساندن به آنان و خوش‌سخنی را سه راهی معرفی می‌کند که می‌توان از طریق آن به مدارای اجتماعی کمک کرد. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۱۴) همچنین ایشان در یک تقسیم‌بندی جالب درباره اقسام دوستی‌ای که مؤمنان می‌توانند با افراد دیگر داشته باشند، می‌فرمایند با منافق با زبانت به‌طور ساختگی رفتار کن و برای مؤمن محبتت را خالص گردان و با یهودی خوش‌رفتار باش. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۰۴؛ همو، ۱۳۷۶، ص ۶۲۸؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۲۳۰) امام علی(ع) نیز از خوشرویی ظاهری خویش با برخی افراد و نفرت در قلب، برای در امان ماندن برادران دینی از دست دشمنان خدا سخن می‌گوید. (العسکری(ع)، ۱۴۰۹، ص ۳۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۰۱) در این سنخ روایات به یک نوع برخورد ظاهری که روی خوش نشان دادن با عقاید مختلف است سفارش شده، اما تفاوت را در باطن شخص مؤمن باید جستجو نمود؛ این در حالی است که هیچ‌کس جز خداوند از باطن افراد خبر ندارد. روایات بسیاری که شیعیان را به شرکت در نماز جماعت، تشییع جنازه و همزیستی مسالمت‌آمیز با مخالفان توصیه می‌نماید، مؤید این مطلب است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۵؛ همچنین ر.ک: ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۴، ص ۱۰۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۹، ج ۳، ص ۳۸۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۰۰، ج ۱۶، ص ۲۱۹؛ ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۸۲) این موضوع آنقدر اهمیت داشته است که در پاسخ به ازدواج با مخالفان و نماز پشت سر آنها، از ازدواج پیامبر خدا بر آنها و نماز خواندن امام علی(ع) با آنها سخن به میان آمده است. (اشعری قمی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۳۷۷) بدون شک نماز امیرالمؤمنین(ع) با آنها همیشه از روی خوف نبوده و وحدت و یکپارچگی مسلمانان نیز مد نظر آن حضرت بوده است؛ کما اینکه ازدواج پیامبر با برخی افراد نیز به جهت مصلحت وحدت و انسجام بین مسلمانان بوده و ترسی در میان نبوده است؛ به گونه‌ای که به یکی از حسنین^۱ اعتراض شد که پدرتان وقتی به منزل باز می‌گشت، نماز خود را

اعاده می‌کرد. ایشان فرمود: نه به خدا قسم؛ چیزی بر آن نماز اضافه نمی‌کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۴، خامسه ۱، ص: ۴۰۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص: ۲۳۲؛ راوندی، [بی تا]، ص ۳۰)

در منابع دینی جهت تحقق مدارای اجتماعی راهکارهایی نیز مطرح شده است. حضرت علی(ع) در سفارشی به محمد حنفیه (م ۸۱ ق)، تمام راه‌های معاشرت و همزیستی مسالمت‌آمیز با مردم را در دو راه قرار می‌دهد: حسن ظن به دیگران و تغافل از کارهای دیگران که اولی دوسوم مدارا و دومی یک‌سوم آن است. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۰۲) اولین شیوه، یعنی حسن ظن به دیگران، این درس را در بر دارد که نباید به گمان‌هایی که در مورد دیگران مطرح می‌شود و زمینه به هم خوردن روابط اجتماعی را فراهم می‌کند، توجه کرد و باید آنها را به خیر و نیکی حمل نمود. شیوه دوم این درس را در بر دارد که حتی اگر در مورد بعضی از این گمان‌ها یقینی برای انسان پیش آمد، تا حد امکان انسان خود را به تغافل بزند. (رستمیان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱) در راستای مدارای اجتماعی، امام علی(ع) آنجایی که پای حق و حقوق خود و خانواده‌اشان در میان بود، از حق خود می‌گذشتند و هیچگاه به خاطر مسائل مادی و دنیوی، خود را درگیر منازعات و جدال‌ها نمی‌نمودند. ایشان در مورد افراد عادی جامعه به مالک اشتر سفارش می‌کند که اگر مرتکب گناه و اشتباهی شدند، آنها را عفو کند و بر ایشان سخت نگیرد. (صالح، ۱۴۱۴، ص ۴۲۸، ن ۵۳) اما در آنجایی که پای اجرای دین و حقوق مردم و بیت‌المال به میان می‌آمد، دیگر جایی برای تساهل و مدارا باقی نمی‌ماند و برخورد قاطع صورت می‌پذیرفت.

۴. فرهنگی

مسئله فرهنگ و اهمیت آن در رشد و تعالی جامعه بر هیچ‌کس پوشیده نیست. این اهمیت موجب آن شده تا اندیشمندان بسیاری در زمان‌ها و مکاتب مختلف به آن بپردازند. طبق برخی تعریف‌ها، فرهنگ در بر دارنده اعتقادات، ارزش‌ها و اخلاق است؛ همچنین به عنوان عاملی که به زندگی انسان جهت می‌دهد شناخته می‌شود.

پرداختن به مقوله فرهنگ و تأثیری که می‌تواند در رشد جامعه داشته باشد بسیار اهمیت دارد. یکی از ابعاد سیره امیر المؤمنین(ع) مدارای ایشان در بُعد فرهنگی است. برخورد ایشان برابر بی‌ادبی و جسارت افراد همراه مدارا بود و بسیاری دستورات اخلاقی دیگر را که درباره مدارا با مخالفان است رعایت می‌نمودند. ایشان اصحاب خود را نیز به مدارا با افراد جاهل سفارش می‌کردند.

روزی ایشان در کوفه برای مردم سخنرانی می‌کرد و از حمایت دو قبیله اوس و خزرج از دین خدا و پیامبرش و یارانش سخن می‌گفت. در این هنگام مردی بلندقامت برخاست و گفت: «ای علی! نه تو محمد هستی و نه ما همانند اصحاب او». حضرت که از این سخن، بسیار رنجیده-خاطر شد، بدون هیچ خشونت و جسارتی به فرد هتّاک، فرمود: «مگر گفتم که من محمد هستم و شما انصار او باشید؟ من در اینجا برای شما مثل آوردم تا شما به آنان تأسی کنید و از آنان درس بیاموزید».

ایشان علاوه بر اینکه خود از لعن و دشنام خودداری می‌کرد، باران خویش را همواره به پرهیز از آن سفارش می‌نمود. در جنگ صفین هنگامی که حضرت آگاه می‌شود حجر بن عدی (م ۵۲ ق) و عمرو بن حمق (م ۵۰ ق)، اهل شام را لعن و نفرین می‌کنند، آنها را از این کار نهی می‌نماید و توصیه می‌کند تا در عوض این کار، اعمال و وضعیتی که شامیان در آن قرار دارند را برای آنان توضیح دهند تا شاید هدایت شوند و یا در حق آنان دعا کنند تا حق را بشناسند و به سوی حق بازگردند. (صالح، ۱۴۱۴، خ ۲۰۶، ص ۳۲۳؛ منقری، ۱۴۰۴، ص ۱۰۳) امام(ع) پیش از وقوع جنگ صفین، وقتی شریعه فرات را از دست باران معاویه گرفت، اجازه استفاده از آب را به آنان داد و تا مدتی جنگ را آغاز نکرد. ایشان با این دو رفتار، گونه‌ای از مدارا را از خود به نمایش گذاشت تا شاید افرادی که به واسطه جهل در گروه مخالفان قرار گرفته‌اند، به خود آمده و هدایت شوند. (صالح، ۱۴۱۴، خ ۵۵، ص ۹۱)

۵. اقتصادی

واژه اقتصاد در لغت به معنای حد وسط به کار رفته است؛ همچنین به امری که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است اطلاق می‌گردد؛ مانند آنچه که بین عدل و جور، قریب و بعید فرض می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۷۲) در اصطلاح نیز، به حالت میانه و اعتدال بین زیاده-روی و خست‌ورزی اقتصاد می‌گویند. (همان، ۱۴۱۲، ص ۶۷۲) همین مفهوم در کلام امیرالمومنین(ع) آمده که می‌فرماید: «مَا عَالَ مَنِ اقْتَصَدَ»؛ «هرکس میانه‌روی پیشه کند نیازمند نگردد». (صالح، ۱۴۱۴، حکمت ۱۴۰، ص ۴۹۴)

از دیدگاه اسلام تأمین معیشت و امنیت جامعه در قالب عدالت اجتماعی میسر است و بر عدالت اجتماعی و در عین حال، رعایت حال اقشار مختلف مردم تأکید بسیار شده است. از این‌رو یکی از عرصه‌هایی که در سیره علوی، بر رفق و مدارا تأکید می‌شده، جنبه‌های اقتصادی بوده

است. مدارای امام علی(ع) در ساحت اقتصادی شامل موارد بسیاری می‌گردید که از آن میان به مدارا در امور شخصی، مدارا با تاجران و در امور تجاری، مدارا با مردم در امور مالیاتی و جزیه اشاره می‌شود.

۵ - ۱. مدارا در امور شخصی

در دوران حکومت علی(ع)، بارها شد که ایشان بیت‌المال را بین مردم تقسیم نمود و سهمی برای خود بر نداشت؛ ایشان در خطبه‌ای می‌فرماید: «به خدا سوگند اگر آن [اموالی که از بیت المال غارت شده و عطایایی که عثمان بی‌حساب به این و آن بخشیده است] را بیابم که کابین زنان شده یا کنیزانی با آن خریده شده باشد [و جزء زندگی افراد شده باشد]، همه را قاطعانه به بیت‌المال باز می‌گردانم [و اجازه نمی‌دهم بی‌عدالتی سابق در جهان اسلام ادامه یابد]». (صالح، ۱۴۱۴، ص ۵۷، خ ۱۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶۹)

سخت‌گیری امام(ع) از اختصاص نابجای اموال بیت‌المال به افراد خانواده خود به اندازه‌ای بود که طبق نقل ابوالبختری از امام صادق(ع)، امام از دادن کلاهی از اموال بیت‌المال به فرزندش امام حسن(ع) نیز خودداری نمود. این کلاه سهم جوانی از قبیله همدان شد و او از جریان باخبر شد و کلاه را برای امام مجتبی(ع) فرستاد. (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۴۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۱۰۴؛ ج ۹۷، ص ۵۵) سخنان امام با برادرش عقیل در دوران خلافت آن حضرت و خودداری ایشان از اختصاص نابجای بخشی از بیت‌المال به عقیل نیز از این نمونه است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۰۹؛ همچنین ر.ک: ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۵۵۰)

۵ - ۲. مدارا در امور تجاری

از دیگر موارد مدارا در ساحت اقتصادی، حضور امام علی(ع) در بازار و تحسین اصناف شایسته از یک سو و توییح بازاریان سودجو از سویی دیگر است. ایشان با تعیین نکردن قیمت تحمیلی بر فروشندگان در شرایط عادی بازار با بازرگانان همراهی می‌کرد. امام(ع) همواره سفارش می‌نمود که توزیع کالا همراه سودی عادلانه باشد که دو طرف معامله زیان نبینند. (صالح، ۱۴۱۴، ص ۴۳۸، نامه ۵۳) با این حال با درخواست مردم مبنی بر نرخ‌گذاری کالاها و تعیین قیمت تحمیلی بر فروشندگان در شرایط عادی بازار برای جلوگیری از اجحاف به فروشندگان و اخلال در روند عرضه و تقاضا، مخالفت می‌کرد. این روش در مورد رسول خدا نیز

گزارش شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۶۱؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۶) این مدارا در زمانی بود که رابطه منطقی میان عرضه و تقاضا وجود داشت؛ اما در صورتی که جنسی کمیاب می‌شد و افرادی آن را احتکار می‌کردند، برخورد با محتکران به صورت جدی انجام می‌شد. (ابن حزم اندلسی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۵۷۳، مسأله ۱۵۶۸؛ مرتضی‌العاملی، ۱۴۲۴، ص ۴۰-۴۲؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۶۳۳)

۵ - ۳. مدارا در امور مالیاتی

از جمله منابع درآمدی دولت پیامبر و امام علی(ع) خراج و جزیه بود. خراج تعاریف مختلفی دارد. اما در یک نگاه کلی، به درآمدی که به صورت اجاره از زمین‌های کشاورزی و بستان‌هایی که در مالکیت همه مسلمانان قرار داشت و نیز مالیات دیگر زمین‌های مزروعی و باغستان‌های غیرمسلمانان که به صورت جنگ و جهاد به تصرف و غنیمت عامه مسلمانان در می‌آمد، گفته می‌شود. جزیه نیز مالیاتی بود که از غیرمسلمانانی که در حکومت اسلامی می‌زیستند، برابر خدمات امنیت جانی، مالی، اقتصادی، اجتماعی گرفته می‌شد که از آن تعبیر به مالیات سرانه می‌کنند. سیره امیرالمؤمنین(ع) در این باره، مدارا با افراد بود. امام علی(ع) مدارا با مردم در امور مالی و مالیاتی را زمینه‌ساز آبادانی بیت‌المال و همراهی مردم با حکومت می‌دانست. از این رو، کارگزاران مالیاتی را به رفق و مدارا با مردم سفارش می‌نمود. ایشان در نامه ۵۳، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

اگر مالیات دهندگان از سنگینی مالیات، یا برخورد به آفات، یا خشک شدن چشمه‌ها، یا کمی باران، یا تغییر زمین بر اثر آب گرفتگی، یا بی‌بی‌آبی شکایت کنند مالیات را به اندازه‌ای که اوضاع آنان بهبود یابد تخفیف ده، و این تخفیف خرجی آنان، بر تو سنگین نیاید، زیرا تخفیف تو ذخیره‌ای است که با آباد کردن شهرهای تو و آرایش حکومتت به تو باز می‌گرداند، علاوه ستایش مردم را به خود جلب نموده، و شادمان هستی که سفره عدالت را در بین آنان گسترده‌ای، در حالی که با قوت بخشیدن به آنان به وسیله ذخیره‌ای که در تخفیف مالیات نزد ایشان نهاده‌ای می‌توانی بر آنان اعتماد کنی، و با عدالت و مهربانیت که آنان را به آن عادت داده‌ای بر آنان مطمئن باشی، چه بسا گرفتاری‌هایی که پیش آید که پس از نیکی به مالیات دهندگان اگر حل آن را به آنان واگذاری با طیب خاطر بپذیرند. چه اینکه بر مملکت آباد آنچه را بار کنی تحمل کشیدنش را دارد، و علت خرابی زمین بی‌چیزی و تنگدستی اهل آن زمین است، و فقر و نداری

آنان ناشی از زراندوزی والیان، و بدگمانی آنان به بقاء حکومت، و کم بهره گیری آنان از عبرت‌ها و پندهاست. (صالح، ۱۴۱۴، ص ۴۳۶، نامه ۵۳؛ رضی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷-۲۹۸)

امام(ع) در دریافت جزیه از غیرمسلمانان نیز، مدارا را اساس حکومت خود قرار داده بود. ایشان از اغنیاء اهل ذمه ۴۸ درهم، از متوسطین ۲۴ درهم و از فقیران ۱۲ درهم می‌گرفت. (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۰؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۲۱)

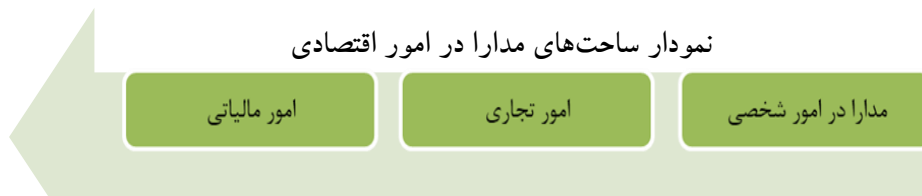
ایشان در فرمان خود به فردی اهل تقیف این‌گونه امر فرمود که «روزی را که می‌خورند از آنها بر مگزین و نه لباس تابستان و نه زمستان آنها را و نه مردی از آنان را به خاطر درهمی بزن و نه حیوانی را که با آن کار می‌کنند بفروش؛ زیرا ما به چنین کارهایی فرمان داده نشده‌ایم، بلکه به ما امر شده که از آنان زیادتی را بگیریم». (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۱۱۴۸۸)

همچنین امام(ع) مردی از قبیله تقیف را برای جمع‌آوری خراج به بانقیاء فرستاد و او را هنگام رفتن به محل مأموریت، به مدارا با مردم توصیه نمود و فرمود: «مبادا برای گرفتن یک درهم خراج، شخص مسلمان یا یهودی یا مسیحی را کتک بزنی یا برای این منظور، حیوانی از آنان را بفروشی. همانا ما مأموریم فزون بر نیازهای آنان را دریافت کنیم». (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۴۰)

بنابر آنچه مرسوم بود و تعیین کرده بودند، پرداخت جزیه به صورت نقد بوده است. ولی علی(ع) در این دریافت با اهل کتاب مدارا می‌کرد و به جای دریافت پول نقد از کسانی که صاحب حرفه بودند، جنس دریافت می‌کرد و آن را بین مردم تقسیم می‌نمود. ایشان جزیه را از هر صاحب صنعتی از صنعت وی دریافت می‌کرد؛ از صاحبان سوزن سوزن، از صاحبان جوالدوز جوالدوز و از صاحبان ریسمان ریسمان. (متقی هندی، ۱۴۰۱، ح ۱۱۴۸۷)

ایشان علاوه بر اینکه در دریافت مالیات و جزیه شیوه مدارا را در پیش گرفته بود، در مصرف آن نیز بر خلاف گذشتگان، به همه مسلمانان از آن می‌داد. در سیره ایشان آمده که با خوارج مدارا می‌نمود و بدون در نظر گرفتن عقایدشان حقوق آنها از بیت‌المال را پرداخت می‌کرد و از حضور آنها در مسجد جلوگیری نمی‌کرد. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۸۱)

۱. ناحیه ای از نواحی کوفه است؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۳۱.



۶. نظامی - امنیتی

توصیه اکید قرآن کریم بر صلح و امنیت است و از هرگونه اقدام نظامی و جنگ منع شده است. (نساء: ۹۰؛ نساء: ۹۴؛ انفال: ۶۱) آن دسته از آیاتی که جنگ را روا می‌دانند، در مواردی است که راه چاره‌ای جز آن نباشد و در حقیقت پاسخ به تجاوزگری‌های دشمن بوده است. (توبه: ۳۶) سیره نبوی در طول دوران مکی و مدنی نمونه‌های بسیاری از سیاست صلح‌جویانه و پرهیز از درگیری و نبرد را در خود دارد.^۱ مسلمانان در مکه به رغم اینکه در زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسای مشرکان قرار داشتند، اجازه نبرد با دشمن نداشتند؛ خداوند در مدینه اجازه نبرد داد و در دلیل آن فرمود: «هم‌آنان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خدا است...». (حج: ۳۹-۴۰)

امیرالمؤمنین(ع) نیز در دوران حکومت خود در نبرد با ناکثین و قاسطین و مارقین مدارای بسیاری از خود به نمایش گذاشت. ایشان در جریان جنگ جمل، در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب خود، از مدارا با اصحاب جمل تا زمانی که از تصمیم خود باز گردند و یا اقدامی علیه حکومت انجام ندهند خبر داد و در صورت عدم پذیرش، ناگزیر بودن به دفاع نظامی را فرمودند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۳۴) ایشان تا جایی که می‌توانست جنگ را به تأخیر انداخت و از روش‌های گوناگون برای هدایت آنان استفاده کرد تا بلکه عده‌ای از مسیر باطل خود برگردند. شیخ مفید نقل کرده است که وقتی امام(ع) از منطقه ذی قار^۲ حرکت کرد، صعصعه بن صوحان (م ۵۶ ق) را با نامه‌ای نزد طلحه (م ۳۶ ق) و زبیر (م ۳۶ ق) و عایشه (م ۵۸ ق) فرستاد و آنان را از حرمت اسلام آگاه نمود و از عاقبت اعمال ناشایستی که مرتکب شده بودند بیم داد. طلحه از سر لجاجت و عناد به صعصعه گفت: «اکنون که جنگ به پسر ابوطالب دندان نشان داده است با ما مدارا می‌کند و مهربانی نشان می‌دهد». (مفید،

۱. در تعداد جنگ‌های صدر اسلام اختلاف وجود دارد. برخی از مورخان بر این باورند که بسیاری از این جنگ‌ها وجود خارجی نداشته و تنها

به جهت کرامت‌سازی جعل شده است. به عنوان نمونه ر.ک: مرتضی‌العاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲۵، ص ۱۷-۳۳.

۲. محلی بین کوفه و واسط؛ بروسوی، أوضح المسالک إلى معرفة البلدان و الممالک، ص ۳۴۲.

۱۴۱۳ ج، ص ۳۱۳) پس از جنگ چون امیرمؤمنان(ع) از کنار کشته‌ها عبور کرد فرمود: «گویی بینی خود را بریدم. به خدا سوگند کشته شدن شما بر من گران و ناخوش است و من پیش از این به شما گفتم و شما را از برخورد شمشیرها برحذر داشتم». (مفید، ۱۴۱۳ ج، ص ۳۹۱) ایشان در نبرد با قاسطین نیز جنگ را به تأخیر انداخت. این کار انتقاد برخی سپاهیان را نیز در پی داشت. حضرت هدف خویش از تأخیر را طمع در هدایت مردم و بهره‌مندی از نور خود بیان فرمود و این تأخیر در جنگ به این هدف را محبوب‌تر از درو کردن گمراهان به وسیله شمشیر دانست؛ هرچند که کیفر گناهانشان به گردن خودشان است. (صالح، ۱۴۱۴، خ ۵۵، ص ۹۱؛ رضی، ۱۳۸۸، ص ۴۲)

هنگامی که ایشان بعد از جنگ جمل وارد بصره شد، عمار (م ۳۷ ق) پرسید: ای امیرمؤمنان با آنها چه رفتاری خواهی کرد؟ امام فرمود: «با منت نهادن و بخشودن؛ چنانکه رسول‌خدا(ص) میان مردم مکه رفتار کرد». (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹۴؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۵۷)

این رفتارهای همراه مدارا و رحمت برابر مردمانی بود که کمر بر قتل آن حضرت و نابود کردن حکومت ایشان بسته بودند. ایشان در مسیر هدایت و نیز برای حفظ جان و مال و امنیت امت اسلامی به عنوان یک حاکم تا جایی که می‌توانست با این گروه‌های خطرناک مدارا کرد.

امام(ع) در جنگ صفین اینگونه دعا فرمود: «خدایا، اگر ما را بر دشمنان پیروز گرداندی، ما را از سرکشی و ظلم باز دار و در راه حق استوار گردان؛ و اگر آنها را بر ما پیروز گرداندی، شهادت را روزی ما فرما و همراهانم را از فتنه‌ها حفظ فرما». (منقری، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲)

نمودار ساحت‌شناسی اصل مصالحه و مدارا



نتیجه

با توجه به آنچه مطرح شد، مدارا به عنوان اصلی مهم در جنبه‌های مختلف زندگی امام علی(ع) شمرده می‌شود و مبنای ایشان بر مدارا با مخالفان و دشمنان در ساحت‌های مختلف بوده است. این مدارا ممکن است در هر ساحت با هدف یا اهدافی همراه باشد که ضرورت آن را بیش از پیش می‌کند. در موارد بسیاری مدارا در ساحت عقیدتی، سیاسی و یا اجتماعی به جهت تقیه - خواه تقیه مداراتی^۱ و خواه انواع دیگر تقیه^۲ - بوده است. مدارا در ساحت فرهنگی بیشتر برای تألیف قلوب و یا در امان ماندن از شر طرف مقابل انجام می‌شده است. مدارا در ساحت اقتصادی، از این جهت بوده که امام معصوم(ع) به عنوان حاکم اسلامی وظیفه دارد تا شرایط زندگی را بر مردم آسان کند و فشار اقتصادی بر آنان وارد نکند؛ زیرا فشار اقتصادی موجب نارضایتی مردم به حکومت و در نتیجه از دست دادن اعتماد میان مردم و حاکم اسلامی می‌شود. امیرالمؤمنین(ع) به عنوان حاکم اسلامی بر این مسئله آگاه بود و تا حد امکان در امور تجاری و مالیاتی بر مردم آسان می‌گرفت و زمینه رضایت مردم از حکومت را فراهم می‌آورد.

مدارا در عرصه نظامی برای نمایش روح اسلام مبنی بر مخالفت با هرگونه خشونت است. جنگ و کشتن افراد آخرین راهی است که در مسیر نافرمانی افراد، از سوی حاکم اسلامی برداشته می‌شود. (صالح، ۱۴۱۴، خ ۱۶۸، ص ۲۴۳) شاهد آن، عدم تمایل امام علی(ع) به آغاز کردن جنگ است.

درباره مدارا در عرصه قضایی نیز مصلحت‌سنجی نقش بسیار عمده‌ای را ایفا می‌کند. توجه به اقتضائات و یا به عبارت دیگر، توجه به شرایط زمانی و موقعیت مکانی از اصول مهم در تحلیل اقدامات امام علی(ع) است. بدین معنا که استفاده از یک روش، در همه جا و برای برخورد با همه افراد مناسب نیست. بلکه بنا به اقتضائات باید رفتار کرد. عوض شدن شرایط، مصلحت افعال را عوض می‌کند که یکی از نمودهای آن را در عرصه قضایی می‌توان مشاهده کرد. بنا بر این مدارا در هر یک از ساحت‌های مذکور با هدف یا اهداف خاصی همراه بوده است که شناخت و درک درست اهداف مورد نظر امیرمؤمنان(ع) در این باره، پژوهشی مستقل می‌طلبد.

۱. این نوع از تقیه به «همزیستی مسالمت آمیز» نیز تعبیر شده است. ر.ک: رحمانی، «تقیه مداراتی»، میقات حج، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۷۸.
 ۲. برای اطلاع از تقسیم‌بندی‌های مختلف تقیه ر.ک: موسوی [سنگلاخی]، مبانی فقهی تقیه مداراتی، ص ۶۴-۷۳.

منابع و مأخذ:

الف: کتاب‌ها

۱. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبۀ الله، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغۀ، چاپ اول، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبۀ آیۀ الله المرعشی النجفی.
۲. ابن اثیر، عز الدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، (۱۳۸۵ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۳. ابن اعثم الکوفی، ابومحمد أحمد، (۱۴۱۱ ق)، کتاب الفتنوح، چاپ اول، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
۴. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق)، اعتقادات الإمامیه، چاپ دوم، قم، کنگره شیخ مفید.
۵. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، الأملی، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
۶. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، (۱۳۹۸ ق)، التوحید، چاپ اول، محقق: حسینی، هاشم، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، چاپ اول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۸. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، مصحح: غفاری، علی‌اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. ابن حزم الأندلسی، ابومحمد علی بن أحمد بن سعید، [بی‌تا]، المحلی بالآثار، بیروت، دار الفکر.
۱۰. ابن حیون تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ ق)، دعائم الإسلام، چاپ دوم، تحقیق: فیضی، قم، مؤسسۀ آل‌البیت.
۱۱. ابن سعد بن منیع الهاشمی البصری، محمد، (۱۴۱۴ ق)، الطبقات الکبری، طبعه الأولى، تحقیق محمد بن صامل السلمی، الطائف، مکتبۀ الصدیق.
۱۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، چاپ دوم، مصحح: غفاری، علی‌اکبر، قم، جامعه مدرسین.
۱۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق)، مناقب آل ابی‌طالب، چاپ

- اول، قم، علامه.
۱۴. ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *الاستيعاب فی معرفة الأصحاب*، چاپ اول، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل.
۱۵. ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر.
۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر.
۱۷. اشعری قمی، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، (۱۴۰۸ ق)، چاپ اول، *النوادر*، قم، مدرسه الإمام المهدی.
۱۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۶ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، تهران، بنیاد بعثت.
۱۹. بروسوی، محمد بن علی، (۱۴۲۷ ق)، *أوضح المسالك إلى معرفة البلدان و الممالک*، چاپ اول، محقق: مهدی عبدالرواضیة، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۲۰. بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی*، چاپ دوم، مترجم: رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی.
۲۱. بشیریه، حسین، (۱۳۷۹)، *نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. تستری، محمد تقی، (۱۴۱۰ ق)، *قاموس الرجال*، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. ثقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۵۳ ش)، *الغارات*، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعة*، چاپ اول، مؤسسه آل البیت قم.
۲۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول، مصحح: علی، هلالی و سیری، علی، بیروت، دارالفکر.
۲۶. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰)، *الحیاء*، چاپ اول، مترجم: آرام، احمد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۷. حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، *قرب الإسناد*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت
۲۸. خمینی، سید روح‌الله موسوی، (۱۳۹۵) *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، چاپ شانزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
۲۹. خمینی، سید روح‌الله موسوی، (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
۳۰. خویی، سیدابوالقاسم، (۱۴۱۳ ق)، *معجم رجال الحدیث*، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم.
۳۱. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ ق)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، طبعه الثانيه، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت دمشق، دار القلم الدار الشامیة.
۳۳. راوندی، فضل الله بن علی، [بی تا]، *النوادر*، محقق: احمد صادقی اردستانی، قم، دار الكتاب.
۳۴. رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۸)، *نهج البلاغه*، چاپ اول، مترجم: انصاریان، حسین، قم، دار العرفان.
۳۵. صالح، صبحی، (۱۴۱۴ ق)، *تحقیق نهج البلاغه*، چاپ اول، قم، نشر هجرت.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، چاپ اول، محقق: خراسان، محمدباقر، مشهد، نشر مرتضی.
۳۷. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، (۱۳۸۷ ق)، *تاریخ الأمم و الملوك*، ط الثانية، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
۳۸. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران، نشر مرتضوی.
۳۹. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ ق)، *تهذیب الأحکام*، چاپ چهارم، محقق: خراسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. عسکری، حسن بن علی (امام یازدهم)، (۱۴۰۹ ق)، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)*، چاپ اول، قم، مدرسه الإمام المهدی .

۴۱. فتحعلی، محمود، (۱۳۷۸)، *تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی، قم، مؤسسه فرهنگی طه.*
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، محقق: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۴۳. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، (۱۴۰۱ ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، چاپ پنجم، الرسالة.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۴۵. مرتضی‌العاملی، السید جعفر، (۱۴۲۴ ق)، *السوق فی ظل الدولة الإسلامية، الطبعة الثالثة*، بیروت، المركز الإسلامی للدراسات.
۴۶. مرتضی‌العاملی، السید جعفر، (۱۴۲۶ ق)، *الصحیح من سیرة النبی الأعظم*، چاپ اول، قم، دار الحدیث.
۴۷. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، *الإختصاص*، چاپ اول، محقق: غفاری، علی‌اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید.
۴۸. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، چاپ اول، مصحح: مؤسسه آل‌البيت مع قم، کنگره شیخ مفید.
۴۹. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، *الجمال و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۰. منقری، نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ ق)، *وقعه صفین، الطبعة الثانية، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاهرة، المؤسسة العربیة الحدیثه*، (۱۳۸۲ ق)؛ افست قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی.
۵۱. موسوی [سنگلاخی]، سیدمحمد یعقوب، (۱۳۹۲)، *مبانی فقهی تقیه مداراتی*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار مع
۵۲. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، الطبعة الثانية، قم، مؤسسه آل‌البيت مع
۵۳. یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله، (۱۹۹۵ م)، *معجم البلدان*، چاپ دوم، بیروت، دار صادر.
۵۴. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی، [بی تا]،

تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.

55. Moreno-Riaño, Gerson, *The Roots of Tolerance*, Volume 65, Issue 1, Winter 2003, pp. 111-130.
56. Galeotti, Anna Elisabetta, (2002), *Toleration as Recognition*, Cambridge University Press.
57. Dees, Richard H, (2014), *Trust and Toleration*, London, Routledge.
58. Phelps, E, (2004), *White Students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism*, Dissertation, New York University.

ب: مقالات

۱. بهشتی، سیدصمد، رستگار، یاسر، (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۲، زمستان.
۲. رحمانی، محمد، (۱۳۷۸)، «تقیه مداراتی»، *میقات حج*، شماره ۳۰، زمستان.
۳. رستمیان، محمدعلی، (۱۳۸۹)، «ائمه منادی همزیستی مسالمت‌آمیز»، *هفت آسمان*، شماره ۴۷، پاییز.
۴. عسگری، علی، شارع‌پور، محمود، (۱۳۸۸)، «گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی»، *تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۸، زمستان.
۵. گلایی، فاطمه، رضایی، اکرم، (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، شماره ۱، بهار.